

## تشریفات رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان در مرحله تحقیقات مقدماتی و بعد از آن در قانون آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۹۲

بهرام بهبودی<sup>۱</sup>

محمد عارف<sup>۲</sup>

### چکیده

مبانی حقوق بشری و جرم‌شناسی، پیش‌بینی یک نظام دادرسی افتراقی را برای اطفال بزهکار ایجاب می‌کند. این رویکرد در ایران نیز از سال‌ها موجود بوده است. لکن قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ با معرفی ساختاری جدید، تغییرات قابل توجهی را در این زمینه ایجاد کرده است. دادرسی کیفری ویژه اطفال که از بدو تماس کودک و نوجوان با مقامات انتظامی و قضایی، به لحاظ ارتکاب اعمال مغایر با قانون جزا، تا خاتمه رسیدگی به اتهام او جریان دارد، از حیث ضرورت تأمین هدف والای انسانی اصلاح و تربیت و پیشگیری از وقوع جرم ایشان، واجد اهمیت فراوان است. شیوه دادرسی اطفال و نوجوانان دارای وجوه افتراق متعددی با شیوه دادرسی بزرگسالان می‌باشد. و تشریفات دادرسی خاصی در مورد آنها اعمال می‌شود. از جمله این که پلیس و قضاتی که منحصراً یا غالباً در دادرسی اطفال فعالیت دارند، باید از طریق ایجاد دوره‌های آموزشی با علوم مختلفی از قبیل روان‌شناسی کودک، مددکاری اجتماعی و جرم‌شناسی آشنایی کاملی داشته باشند. دادرسی باید کاملاً غیرعلنی و با حفظ حریم اطفال انجام گیرد. تشکیل پرونده شخصیت که حاوی اظهار نظر متخصصان مختلف علوم پزشکی، روان‌شناسی، مددکاری و جرم‌شناسی است، در کنار پرونده کیفری به منظور اتخاذ واکنش مناسب با شخصیت و منش طفل یا نوجوان ضرورت دارد. قانون آیین دادرسی کیفری چه در مرحله تحقیقات مقدماتی و چه در مرحله دادرسی از رهگذر تأسیس نهادهای جدیدی از قبیل دادگاه اختصاصی برای اطفال، دادسرای اطفال، پلیس اطفال و الزام به تشکیل پرونده شخصیت، اقدام به ساماندهی نظامی افتراقی نموده است. این امر می‌تواند ناشی از تأثیرپذیری آگاهانه قانونگذار از برخی الگوهای عدالت کیفری اطفال باشد.

کلید واژه‌ها: دادرسی اطفال، افتراقی شدن دادرسی، تحقیقات مقدماتی، عدالت کیفری، میانجیگری، مددکار اجتماعی

<sup>۱</sup> - دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)

<sup>۲</sup> - دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)

## ۱. تحقیقات مقدماتی جرائم اطفال و نوجوانان

در دادرسی اطفال و نوجوانان بزهکار و در حالت خطرناک، تحقیقات مقدماتی ساده و سریع انجام می‌گیرد زیرا هدف از کشف، تعقیب و دادرسی، اصلاح و تربیت و یا درمان برای عادت دادن به زندگی عادی اجتماعی است. (موسوی، ۱۳۸۲: ۲۷۳)

### ۱-۱. مرجع انجام دهنده تحقیقات مقدماتی

به موجب ماده ۲۸۵ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، در معیت دادگاه اطفال و نوجوانان و در محل آن، شعبه ای از دادرسی عمومی و انقلاب با عنوان دادرسی ویژه نوجوانان به سرپرستی یکی از معاونان دادستان و با حضور یک یا چند بازپرس، تشکیل می‌شود. در ادامه ماده بیان می‌دارد که تحقیقات مقدماتی جرائم افراد پانزده تا هجده سال به جز جرایم مواد ۳۰۶ و ۳۴۰ این قانون که به طور مستقیم از سوی دادگاه صورت می‌گیرد، در این دادرسی به عمل می‌آید. در خصوص جرایم افراد زیر ۱۵ سال این ماده بیان می‌دارد که تحقیقات مقدماتی تمامی جرایم افراد زیر پانزده سال به طور مستقیم در دادگاه اطفال و نوجوانان به عمل می‌آید و دادگاه مذکور کلیه وظایفی را که طبق قانون بر عهده ضابطان دادگستری و دادرسی است انجام می‌دهد. جرایم موضوع ماده ۳۰۶ که شامل جرایم زنا و لواط و سایر جرایم منافی عفت به طور مستقیم در دادگاه صالح رسیدگی می‌شود. علاوه بر این به موجب ماده ۳۴۰ نیز، جرایم تعزیری درجه هفت و هشت، به طور مستقیم در دادگاه مطرح می‌شود.

### ۲-۱. تحقیقات مقدماتی در جرایم مشهود و غیر مشهود

تبصره ۲ ماده ۲۸۵ بیان می‌دارد: در جرایم مشهود، هرگاه مرتکب طفل یا نوجوان باشد، ضابطان دادگستری مکلفند نسبت به حفظ آلات و ادوات، آثار، علائم و دلایل جرم اقدام نمایند، لکن اجازه تحقیقات مقدماتی از طفل و نوجوان را ندارند و در صورت دستگیری وی، موظفند متهم را حسب مورد، فوری به دادرسی یا دادگاه اطفال و نوجوانان تحویل دهند. اقتضای وقت اداری و نیز ایام تعطیل مانع از رجوع به دادرسی یا دادگاه اطفال و نوجوانان نیست.

### ۳-۱. احکام و تصمیمات دادگاه اطفال

#### ۱-۳-۱. قرارهای تأمین کیفری اطفال

قانون گذار در ماده ۲۱۷ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر نموده است که: «به منظور دسترسی به متهم و حضور به موقع وی، جلوگیری از فرار یا مخفی شدن او و تضمین حقوق بزه دیده برای جبران ضرر و زیان وی، بازپرس پس از تحقیق در صورت وجود دلایل کافی و پس از تفهیم اتهام به وی یکی از قرارهای تأمین زیر را صادر می‌کند: الف) التزام به حضور با قول شرف ب) التزام به حضور با تعیین وجه التزام پ) التزام به عدم خروج از حوزه قضایی با قول شرف ت) التزام به عدم خروج از حوزه قضایی با تعیین وجه التزام ث) التزام به معرفی نوبه ای خود به صورت هفتگی یا ماهانه به مرجع قضایی یا انتظامی با تعیین وجه التزام ج) التزام مستخدمان رسمی کشوری یا نیروهای مسلح به حضور با تعیین وجه التزام

پس از اخذ تعهد پرداخت از محل حقوق آنها از سوی سازمان مربوطه (چ) التزام به عدم خروج از منزل یا محل اقامت تعیین شده با موافقت متهم با تعیین وجه التزام از طریق نظارت با تجهیزات الکترونیکی یا بدون نظارت با این تجهیزات (ح) اخذ کفیل با تعیین وجه الكفاله (خ) اخذ وثیقه اعم از وجه نقد، ضمانت نامه بانکی - مال منقول یا غیر منقول (د) بازداشت موقت با رعایت شرایط مقرر قانونی.

در این راستا ماده ۲۸۷ ق.آ.د.ک جدید رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان مقرر نموده است: «در جریان تحقیقات مقدماتی مرجع قضایی حسب مورد، اطفال و نوجوانان موضوع این قانون را به والدین، اولیاء، یا سرپرست قانونی یا در صورت فقدان یا عدم دسترسی و یا امتناع از پذیرش آنان به هر شخص حقیقی یا حقوقی که مصلحت بداند می سپارد. اشخاص مذکور ملتزمند که هرگاه حضور طفل یا نوجوان لازم باشد او را به مرجع قضایی معرفی نمایند. افراد بالای ۱۵ تا ۱۸ سال نیز شخصا ملزم به معرفی خود به دادگاه می باشند. در صورت ضرورت، اخذ کفیل یا وثیقه تنها از متهمان بالای ۱۵ سال امکانپذیر است. در صورت عجز از معرفی کفیل یا ایداع وثیقه و یا در مورد جرایم پیش بینی شده در ماده (۲۳۷) این قانون، دادرسی یا دادگاه می تواند با رعایت ماده ۲۳۸ این قانون قرار نگهداری موقت آنان را در کانون اصلاح و تربیت صادر کند. (تبصره: قرار نگهداری تابع کلیه آثار و احکام بازداشت موقت است).

در خصوص این ماده نکات قابل تأملی به نظر می رسد که شایسته است به بررسی آنها پرداخته شود:

نخست این که: ضمانت اجرای عدم معرفی کفیل یا عدم ایداع وثیقه در مقررات دادرسی کیفری بازداشت موقت نیست و به محض تودیع وثیقه یا معرفی کفیل و احراز اعتبار کفیل دادگاه مکلف به قبولی قرار و آزاد کردن متهم است.

دوم این که: جرایم احصا شده در این ماده بسیار متنوع و گسترده است. جرایم علیه امنیت که قانونگذار در قانون مجازات اسلامی در برخی از عناوین به جرم انگاری موسع دست زده است و همچنین جرایمی که مجازات قانونی آن ثلث دیه کامل یا بیش از آن است، دیه مجازات قانونی برای جرایم غیر عمدی است و در این موارد سوء نیت مجرمانه و سبق تصمیم بر ارتکاب جرم وجود ندارد تا بازداشت ( نگهداری موقت ) مرتکب توجیه قانونی و منطقی یابد. (دهقانی، ۱۳۸۷: ۹۷).

#### ۱-۳-۲. قرار نظارت قضایی

قانون آیین دادرسی کیفری علاوه بر پیش بینی قرارهای تأمین کیفری وسایر قرارهای اعدادی همچون قرار تأمین خواسته در مواد ۲۴۷ قانون آیین دادرسی، به پیش بینی یک قرار جدید به نام «قرار نظارت قضایی» پرداخته است و در این ماده مقرر کرده است: «بازپرس می تواند متناسب با جرم ارتكابی، علاوه بر صدور قرار تأمین، قرار نظارت قضایی را که شامل یک یا چند مورد از دستورهای مقرر در این ماده است، برای مدت معین صادر کند.

همانگونه که این ماده تصریح نموده است این قرار با توجه به نظر مقنن، می تواند در کنار قرارهای تأمین کیفری صادر شود و از آن جهت که ماهیت همه ی تدابیر اتخاذ شده در بندهای آن جنبه تامینی و بازدارنده دارد، در خصوص جرایم ارتكابی از سوی اطفال و نوجوانان بسیار می تواند موثر و کارا باشد. لذا، به نظر می رسد در خصوص جرایم ارتكابی اطفال و نوجوانان هم، هر چند در ماده ۲۸۷ قانون آیین دادرسی، تصریح نگردیده، ولی به لحاظ عمومیت این بحث می تواند از سوی مقام قضایی در خصوص اطفال و نوجوانان بزهکار مورد اعمال قرار بگیرد.

برخلاف شیوه های سنتی قضازدایی که تنها هدف اجتناب از ورود به سیستم دادگستری کیفری را بدون پیشنهاد راهکاری جایگزین، دنبال می کرد. شیوه های نوین قضازدایی به دنبال آن هستند که نه تنها از ورود به سیستم دادگستری جلوگیری به عمل می آورد بلکه با ارائه راهکارهای اجتماعی و رفع اختلال ایجاد شده از جرم و یا ترمیم رابطه اجتماعی بپردازد. اسناد بین المللی مربوط به عدالت اطفال نیز ایده ترمیمی را مد نظر و گسترش قرار داده اند؛ زیرا اسناد مذکور به صراحت دولت ها را دعوت کرده اند تا مکانیزم های قضازدایی را بسط و توسعه دهند. در این رابطه می توان اسناد مهمی از قبیل: حداقل قواعد استاندارد سازمان ملل متحد رای دادرسی ویژه نوجوانان مصوب ۱۹۸۵ (قواعد پکن)، اصول بنیادی راجع به توسل به برنامه های عدالت ترمیمی در زمینه کیفری مصوب شورای اقتصادی و اجتماعی ملل متحد در سال ۲۰۰۲ و توصیه نامه شماره ۲۰، مصوب ۱۷ سپتامبر ۱۹۸۷ شورای اروپا در زمینه واکنش اجتماعی مربوط به افراد بزهکار را متذکر شد (کریمی، ۱۳۹۲: ۴۸۶).

### ۱-۳-۴. ارجاع به میانجی گری

«میانجی گری را می توان فرآیند سه جانبه یا سه طرفه ای دانست که فارغ از تشریفات معمول در فرآیند کیفری براساس توافق قبلی شاکی (بزه دیده) متهم (بزهکار) با حضور شخص ثالثی به نام (میانجی) به منظور حل و فصل اختلافات و مسائل مختلف ناشی از جرم آغاز می شود» (نجفی ابرنآبادی، ۱۳۸۲: ۱۴)

میانجیگری کیفری دارای انواع متعددی است که می توان آنها را در سه نوع میانجیگری تقسیم کرد این سه نوع عبارتند از: میانجیگری کیفری جامعوی، میانجیگری کیفری جامعوی همراه با نظارت مقام قضایی و میانجیگری کیفری قضایی، پلیسی یا میانجیگری کیفری درون سیستمی.

در خصوص کاربرد میانجیگری در دادرسی دعاوی اطفال و نوجوانان ماده ۸۲ قانون جدید به آن پرداخته است و با ملاحظه این ماده و دقت در آن معلوم می گردد که میانجیگری پذیرفته شده در این قانون از نظر تقسیم بندی از نوع دوم یعنی میانجیگری جامعوی همراه با نظارت قضایی می باشد. لازم به ذکر است که تلاش در جهت صلح و سازش و در صورت تشخیص، ارجاع موضوع به میانجیگری به صورت تکلیف قانونی برای دادسرا و دادگاه پیش بینی نشده است. این راهکار نه تنها در مرحله تعقیب و رسیدگی امکانپذیر است بلکه به موجب قانون جدید در مرحله اجرای حکم نیز امکان پذیر می باشد.

### ۱-۳-۵. قرار ترک تعقیب

این قرار برای نخستین بار در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸ در تبصره (۱) ماده ۱۷۷ در اختیار مقام قضایی گذاشته شد. بنا به درخواست شاکی خصوصی در جرایم قابل گذشت بدون اعلام گذشت قطعی به منظور ترک تعقیب یا محاکمه صادر می شود این قرار از زمره قرارهای نهایی محسوب می شود و اگر توسط بازپرس صادر شود باید به تأیید دادستان برسد (جوانمرد، زمستان ۱۳۸۷: ۲۱۸). گذشته از مباحث فوق، ماده (۸۰) قانون آیین دادرسی کیفری جدید نیز مقرر نموده است: «در جرایم تعزیری درجه هفت و هشت، چنانچه شاکی وجود نداشته یا گذشت کرده باشد، در صورت فقدان سابقه موثر کیفری، مقام قضایی می تواند پس از تفهیم اتهام با ملاحظه وضع اجتماعی و سوابق متهم و اوضاع و احوالی که

موجب وقوع جرم شده است و در صورت ضرورت با اخذ التزام کتبی از متهم با رعایت مقررات قانونی، فقط یک بار از تعقیب متهم خودداری نماید و قرار بایگانی پرونده را صادر کند. این قرار ظرف ۱۰ روز از تاریخ ابلاغ، قابل اعتراض در دادگاه کیفری مربوط است.» این دو ماده یعنی ماده (۸۰) قانون آیین دادرسی جدید و تبصره (۲) ماده (۱۷۷) ماهیتاً یک نوع قرار را مورد تصریح قرار داده اند. نکته دیگری که با دقت در مفاد ماده به نظر می رسد این امر است که صدور قرار ترک تعقیب در اختیار دادستان می باشد چرا که امر تعقیب در نظام حقوقی کیفری ایران با دادستان می باشد و از سوی دیگر به نظر می رسد بازپرس هم می تواند چنین درخواستی را از دادستان بنماید.

### ۱-۳-۶. تعلیق تعقیب

در قانون رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان به دادسرا و دادگاه اختیار موقوف یا معلق نمودن تعقیب اطفال و نوجوانان بزهکار با وجود شرایطی اعطا شده است. اعطای این اختیار در واقع نوعی کیفر زدایی است؛ بدین معنی که با موقوف یا معلق نمودن تعقیب طفل و نوجوان بزهکار از اجرای مجازات پیشگیری به عمل می آید ضمن این که در صورت تعلیق تعقیب شخص بزهکار هر آن خود را تحت نظارت قانون احساس نموده و مواظب رفتارهای خویش خواهد بود که مرتکب جرم دیگری نشود و نکته قابل توجه این که تعلیق تعقیب غیر از تعلیق مراقبتی یا تعلیق اجرای مجازات می باشد که در اکثر نظام های حقوقی از جمله نظام حقوقی ایران پیش بینی شده است. این تأسیس که در راستای قضازدایی صورت گرفته است، در ماده ۱۵ قانون آیین دادرسی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. مطابق این ماده: «در جرایمی که مجازات قانونی آنها حبس کمتر از سه سال یا مجازات تعزیری دیگری غیر از حبس خواه به تنهایی و یا توأم با مجازاتهای دیگر باشد، دادسرا یا دادگاه می تواند با ملاحظه شخصیت، منش، وضع اجتماعی و تحصیلی متهم و اوضاع و احوال وقوع جرم، تعقیب کیفری را به شرطی که متهم شاکی یا مدعی خصوصی نداشته باشد، حسب مورد موقوف یا از یک تا سه سال معلق نماید.»

بحث موقوف نمودن تعقیب به نحوی که در ماده مذکور مقرر داشته است امری کاملاً نو و بدون سابقه در سیستم حقوقی ایران است، زیرا موقوفی تعقیب که در قوانین مختلف پیش بینی گردیده، تحت شرایطی است که در همان قوانین قید شده است مثل گذشت شاکی خصوصی در جرایم قابل گذشت یا نسخ مجازات قانونی و.... و آنچه که در قانون آیین دادرسی در ماده یاد شده به عنوان موقوف نمودن تعقیب در جرایم اطفال و نوجوانان پیش بینی شده دچار ابهام است، به لحاظ اینکه حدود و چهارچوب این قرار مشخص نشده است. با توجه به اینکه هدف از انجام اقدامات حمایتی در مورد اطفال و نوجوانان اصلاح آنان و پیشگیری از ارتکاب مجدد جرم می باشد مبنای حقوقی این نوع قرار موقوفی تعقیب مشخص نمی باشد

### ۲. تشریفات خاص رسیدگی در دادگاه اطفال و نوجوانان در قانون آیین دادرسی کیفری

مقررات مربوط به نحوه رسیدگی در دادگاه های کیفری به دو دسته مقررات عمومی و مقررات اختصاصی تقسیم می شوند. مقررات عام آن دسته مقرراتی می باشند که اختصاص به دادگاه خاصی نداشته و در تمامی دادگاه های کیفری اجرا می گردند. مقررات اختصاصی مقرراتی هستند که مخصوص دادگاه های خاصی بوده و در سایر محاکم اجرا نمی شوند. در این

قسمت به مقررات اختصاصی قانون آیین دادرسی کیفری که به ترتیب رسیدگی در دادگاه اطفال و نوجوانان اختصاص دارد می پردازیم. این مقررات در مبحث دوم فصل ششم از بخش سوم قانون آیین دادرسی وضع شده اند.

## ۱-۲. ابلاغ وقت رسیدگی و حضور اشخاص در جلسه رسیدگی

تعیین و ابلاغ به موقع وقت رسیدگی از حقوق اساسی طرفین یک دادرسی عادلانه می باشد. رسیدگی به جرایم در قانون آیین دادرسی با دو شیوه صورت می گیرد: با کیفرخواست و بدون کیفرخواست. رسیدگی به جرایمی که با صدور کیفرخواست در دادگاه اطفال و نوجوانان رسیدگی می شود بر اساس مقررات عمومی خواهد بود اما در رسیدگی بدون کیفرخواست برخی از مقررات عمومی لحاظ نمی گردد.

## ۲-۲. رسیدگی بدون کیفرخواست

جهت جلوگیری از اطاله دادرسی، در رسیدگی به برخی جرایم می توان بدون صدور کیفرخواست عمل کرد. در جرایم تعزیری درجه شش، هفت و هشت اطفال و نوجوانان و همچنین در جرایم تعزیری که مجازات قانونی آنها غیر از حبس است، هرگاه متهم و والدین یا سرپرست قانونی او و همچنین در صورت داشتن وکیل، وکیل او حاضر باشند و درخواست رسیدگی نمایند و موجبات رسیدگی نیز فراهم باشد، مطابق تبصره ۲ ماده ۴۱۲ دادگاه می تواند بدون تعیین وقت، رسیدگی و اتخاذ تصمیم نماید.

## ۳-۲. رسیدگی با کیفرخواست

به لحاظ تأثیر تفکیک سنی صورت گرفته در قانون آیین دادرسی نیز سه نوع ابلاغ و تعیین وقت می تواند صورت گیرد. اول ابلاغ به متهمین بزرگسال، دوم، ابلاغ به متهمین دارای هجده سال و در نهایت ابلاغ به متهمین کمتر از هجده سال. بنابراین در خصوص اطفال و نوجوانان بایستی قائل به تفکیک شده و افراد هجده سال و بیشتر را از افراد کمتر از هجده سال جدا سازیم. بنابراین در صورتی که متهم به هجده سالگی نرسیده باشد به دلایل جرم شناختی همچون دوری جستن از برچسب زنی، نیازی به ابلاغ وقت دادرسی به شخص متهم نیست و در جرایم تعزیری درجه یک تا پنج و همچنین در جرایم تعزیری که مجازات قانونی آنها حبس است مطابق ماده ۴۱۲ قانون آیین دادرسی، دادگاه اطفال و نوجوانان وقت جلسه رسیدگی را تعیین و به والدین، اولیاء یا سرپرست قانونی طفل یا نوجوانان، وکیل وی و دادستان و شاکی ابلاغ می کند. در صورتی که حین رسیدگی سن متهم هجده سال و یا بیشتر باشد، وقت دادرسی مطابق تبصره ۱ ماده ۴۱۲ به متهم یا وکیل او ابلاغ می شود. بدین ترتیب در صورتی که فردی در هفده سالگی مرتکب جرمی شده و قبل از هجده سالگی او به جرمش رسیدگی شود، نیازی به ابلاغ وقت رسیدگی به متهم نیست اما در صورتی که در هجده سالگی به جرم او رسیدگی شود بایستی زمان رسیدگی به وی نیز ابلاغ گردد. در برخی موارد این امکان وجود دارد که زمان دادرسی به افرادی ابلاغ نشود اما رعایت منافع اطفال و نوجوانان اقتضا می کند که در زمان رسیدگی بتوانند در جلسه حضور داشته باشند. که ماده ۴۱۳ قانون جدید به این مورد پرداخته است.

## ۲-۴. غیرعلنی و محرمانه بودن رسیدگی

از جمله اصول مسلم دادرسی منصفانه، اصل علنی بودن دادرسی می باشد. رعایت این اصل در محاکم به قدری حائز اهمیت می باشد که اصل ۱۶۵ قانون اساسی نیز بر رعایت آن تأکید می ورزد. مطابق تبصره یک ماده ۱۸۸ قانون آیین دادرسی کیفری و نیز تبصره ماده ۳۵۲ قانون آیین دادرسی، علنی بودن دادرسی بدین معنی است که هیچ مانعی جهت حضور افراد در جلسات رسیدگی ایجاد نگردد. علی رغم دلایل فوق برای رسیدگی علنی، رسیدگی در دادگاه اطفال و نوجوانان بایستی جهت رعایت مصلحت طفل به صورت غیر علنی برگزار گردد؛ به همین دلیل در اکثر نظام های عدالت کیفری که رویکرد افتراقی نسبت به اطفال بزهکار و بزه دیده دارند، رسیدگی به جرایم اطفال به صورت غیر علنی و محرمانه صورت می گیرد.

هر چند در قانون آیین دادرسی به تشکیل غیرعلنی دادگاه اطفال و نوجوانان صراحتاً تصریح نشده است؛ اما می توان از مفهوم مخالف ماده ۴۱۳ استفاده کرد و بیان داشت که در دادگاه اطفال و نوجوانان اصل بر رسیدگی غیرعلنی است و در صورتی که اشخاصی غیر از اشخاص مذکور در صدر ماده ۴۱۳ مایل به شرکت در جلسه رسیدگی باشند بایستی موافقت دادگاه جهت حضور آن ها تحصیل شود. در اقدامی فراتر از حالت عادی غیر علنی بودن محاکم که اجازه حضور متهم حتی در دادگاه غیرعلنی داده می شود، ماده های ۴۱۴ و ۴۱۶ قانون آیین دادرسی جهت جلوگیری از برچسب زنی به اطفال و نوجوانان و رعایت مصالح و منافع عالی آن ها اجازه رسیدگی بدون حضور متهمین را در دادگاه می دهند. همانگونه که مشاهده می کنیم مقررات اخیرالذکر در مورد محدودیت حضور در دادگاه اطفال و نوجوانان فقط در مورد طفل اعمال شده و شامل متهم نوجوان نمی باشند. بنابراین دادرسی جرایم ارتكابی اطفال در هر حال حضوری می باشد، چه طفل در دادگاه حضور داشته باشد و چه حاضر نباشد، اما دادرسی جرایم افراد بالغ کمتر از هجده سال (نوجوانان) از لحاظ حضوری یا غیابی بودن تابع مقررات دادرسی اشخاص بالغ می باشد.

## ۲-۵. لزوم دخالت وکیل در رسیدگی

طفل و نوجوان نیز همچون سایر متهمین حق انتخاب وکیل را دارند و در قوانین داخلی و بین المللی نیز بر داشتن این حق تأکید شده است. این بدین معنی نیست که وکیل طفل و نوجوان همان نقش افراد بزرگسال را ایفا می کند. بلکه وی بایستی نقشی را برعهده بگیرد که براساس آن طفل احساس امنیت کند که اولاً از یک وکیل مستقل متخصص و آموزش دیده به عنوان نماینده اش برخوردار است و ثانیاً از یک مشاور و راهنما برخوردار است که می تواند به او تکیه کند (وان بون، ۲۰۰۶: ۱۹). در ماده ۴۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری به لزوم تعیین وکیل تسخیری در جرایم مهم اطفال و نوجوانان اشاره شده است. در جرایم کم اهمیت (درجه هفت و هشت) که می توان آن ها را هم تراز با جرایم اخلاقی در حقوق عرفی دانست الزامی به حضور وکیل در دادرسی نیست و ولی یا سرپرست قانونی طفل یا نوجوان می تواند خود از وی دفاع نماید.

## ۲-۶. حمایت از کودکان بزه دیده در مرحله تحقیقات مقدماتی

پس از طی مراحل کشف جرم و پلیسی، وارد مرحله تحقیقات و بازجویی توسط مأمور تحقیق یا بازپرس یا دادیار می شویم. کودک بزه دیده در مرحله تحقیقات مقدماتی، می تواند حقوق مختلفی داشته باشد، که تمامی این حقوقی که به آن

خواهیم پرداخت، در حق کاهش صعوبت دادرسی خلاصه می شود. در این جا بازپرس یا دادیار می بایست تمام کوشش خود را برای کاهش اضطراب و آزدگی کودک انجام دهد. (محمدی ارانی، ۱۳۸۴: ۱۰۱) ذکر این نکته ضروری است که کشور ما در خصوص بازجویی از کودکان بزه دیده فاقد هرگونه قوانین حمایتی است. حتی، تحقیقات اولیه از این بزه دیدگان در دادسرا به شیوه عمومی و به طور یکسان با افراد بزرگسال صورت می گیرد. کودکان در فرآیند تحقیقات به جهت صغر سن و عدم درک کامل مسائل ممکن است دچار بزه دیدگی ثانویه شوند. باید توجه داشت که در این مسیر، تأثیر آموزش و آگاهی بازپرس از چگونگی انجام تحقیقات و چگونگی طرح سوال و استفاده از زبان خاص متناسب با کودک و حضور یک حامی نزد کودک در حین این ماموریت تأثیر بسزایی در موفقیت آمیز بودن نتیجه تحقیقات خواهد داشت. (همان)

تحقیقات مقدماتی جرایم و جمع آوری دلایل له و علیه متهم به عهده بازپرس یا قاضی تحقیق یا مستنطق یا دادیار است که تحت نظارت دادستان، وظایف قانونی خود را انجام می دهد و دادستان در اموری که به بازپرس ارجاع می شود حق نظارت و دادن تعلیمات لازم را خواهد داشت. در ماده ۳۶۲ قانون جدید آیین دادرسی کیفری، دادگاه را مکلف دانسته است تا علاوه بر رسیدگی به ادله مندرج در کیفرخواست یا ادله مورد استناد طرفین، هر گونه تحقیق یا اقدامی که برای کشف حقیقت لازم است را با قید جهت ضرورت آن انجام دهد. در راستای این امور لازم است تا بازپرس یا دادیار، فردی متخصص و آموزش دیده در این زمینه باشد تا آسیب به کودک را به حداقل رساند و با شیوه ای عادلانه و با احترام و توأم با در نظر گرفتن نیازهای خاص کودک در فرآیند کیفری برخورد شود. باید اذعان نمود که قانون آیین دادرسی حمایت از کودکان و نوجوانان در این خصوص با توجه به اسناد بین المللی، سیاست کیفری افتراقی را در پیش گرفته است که در ذیل، آن موارد به طور مبسوط خواهد آمد و این جنبه های حمایتی می تواند در مرحله بازجویی در جهت حمایت هر چه بیشتر از این بزه دیدگان بالغه آسیب پذیر بسیار تأثیر گذار باشد. (هدایت، ۱۳۹۵: ۱۲۱)

## ۲-۶-۱. حق کودک بزه دیده بر تعدیل سخت گیری در رسیدگی

اگرچه حق کودکان بزه دیده بر کاهش صعوبت دادرسی در فرآیند کیفری به رسمیت شناخته شده است<sup>۳</sup>. به منظور تضمین این حق، تعدیل کلیه شیوه هایی که باعث افزایش آزدگی و اضطراب کودک می شود، امری ضروری به نظر می رسد. بنابراین، باید تدابیری اندیشیده شود که میزان اضطراب کودک در طی مرحله تحقیقات و بازجویی کاهش یابد. اگر چه در مرحله پلیسی به بازجویی توسط مأمور تحقیق زن و فواید آن پرداخته گردید و این آورده حاصل شد که انجام بازپرسی توسط مأمورین زن اضطراب کمتری را برای کودک ایجاد می کند.

الف) برقراری رابطه دوستانه: اغلب کودکان قبل از بازپرسی بسیار نگران و مضطرب می باشند به همین جهت، برقراری رابطه بازپرس با کودک و جلب اعتماد کودک می تواند باعث آرامش وی شود. خصوصاً که نگرانی و اضطراب کودک می تواند مانع یادآوری وقایع گردد. (شریف رازی، ۱۳۹۳: ۵۱) برقراری ارتباطی صمیمی و گرم با کودک از ناحیه مقامات دادسرا موجبات دلگرمی، قوت قلب و تسکین آلام کودک را فراهم نموده تا بعد از طی فرآیند دادسرا، در جلسات بعدی

<sup>۳</sup> ماده ۲۰ اصول راهبردی در مورد عدالت برای اطفال بزه دیده و شهود (۲۰۰۴)



محاكمه در دادگاه، هراس از محیط دادگستری و محاکمه نداشته باشد و با آرامش خاطر بیش تری بتواند به سوالات مقامات دادسرا و دادگاه پاسخ دهد.

ب) تحقیق توسط متخصصین آموزش دیده: در بسیاری موارد چه در بزه دیدگی های درون خانواده و چه در خارج از آن، کودک بزه دیده، بهتر از هر کس دیگری می تواند اطلاعات مورد نیاز مقامات قضایی را در جریان تکمیل پرونده در اختیار آنها قرار دهد، لذا افرادی که در امر مصاحبه با کودک دخالت می نمایند، باید در خصوص نحوه برخورد و بازجویی از کودک آموزش های مربوطه را ببینند؛ زیرا از یک طرف هر گونه برخورد نامناسب و ناشایست می تواند به اثر سوء در روحیه کودک، سلب اعتماد و در نتیجه عدم همکاری وی با مراجع منجر شده و از طرف دیگر هیجان و اضطراب، نیروی یادآوری خاطرات را فلج نموده و مانع حصول نتایج دلخواه از مصاحبه شده و در نتیجه در روند اجرای عدالت نیز اختلال ایجاد می نماید. (هدایت، ۱۳۹۵: ۱۲۵) به طور حتم، تخصصی نمودن بازجویی از کودک بزه دیده، بحث جنسیت زن مأمور تحقیق مقرر در ماده را کنار زده و به آن جنبه فرعی بخشیده و بازجویی توسط بازپرس یا دادیار مرد را دور از تأثیرات منفی و تضعیف کننده بازجویی و تشریح واقعه توسط کودک مورد پذیرش قرار می دهد. (اسکندری، ۱۳۹۲: ۱۳۶).

پ) نحوه طرح سوال: معمولاً برای تکمیل اظهارات کودک، لازم است از وی سوالاتی پرسیده شود. بازپرس باید در هر بار فقط یک سوال طرح نماید و به کودک، فرصت کافی برای پاسخ بدهد. بازپرس در طرح سوالات باید صبر و حوصله کافی داشته باشد و در زمانی که کودک در حال صحبت کردن می باشد، نباید اظهارات وی را قطع نماید. (شریف رازی، ۱۳۹۳: ۵۹) بدین سان، استفاده از زبان متناسب با سن کودک، عدم استفاده از اصطلاحات تخصصی و جملات طولانی و ضمائم گیج کننده، مطرح کردن «پرسش های باز» که به کودک فرصت می دهد در پاسخ به سوال توضیح دهد و ملزم به گفتن «بله» یا «خیر» نباشد. و تشویق کودک به پاسخ دهی بدون اینکه آنچه بیان می کند را تحت تأثیر قرار دهد و به حداقل رساندن تعداد دفعات مصاحبه به منظور کاهش اضطراب کودک، از دیگر نکاتی است که باید رعایت شود.

ت) مساعدت به کودک از طریق همراهی و حضور حامی در جلسه بازپرسی: مشکلات و دشواری های مرحله تحقیقات ممکن است باعث شود تا برای کاهش اضطراب و هراس کودک، فردی به عنوان حامی، برای کودک منصوب شود. حضور حامی، در مورد کودکان بسیار کم سن و سال و کودکانی که شدیداً دچار ناراحتی شده اند، می تواند سودمند باشد. حضور حامی یا همراهی کودک در روند تحقیقات و حضور یک فرد آشنا و صمیمی، روشی علمی و آسان برای جلوگیری و کاهش اضطراب کودک محسوب می شود. والدین و اعضای خانواده، سرپرست قانونی، قیم یا وکیل کودک می توانند حامی و همراهی خوب برای کودک باشند. (هدایت، پیشین، ۱۲۹) البته از دید نگارنده، تنها زمانی که اعضای خانواده مرتکب جرم یا خشونت علیه کودک شده اند، را نباید مانعی برای حضور آنها دانست. چه بسا در صورت ارتکاب جرم در خارج از محیط خانه و توسط فرد غیر آشنا نیز، همراهی والدین از کودک در چرخه ی کیفری راهکاری مناسب نبوده و حضور والدین در جلسه بازپرسی خود عاملی در جهت افزایش اضطراب کودکان باشد.

ث) شیوه انجام بازپرسی: در بازپرسی شیوه انجام بازپرسی از جمله زمان و مکان بازپرسی نیز حائز اهمیت می باشد. البته در حقوق ایران در مورد بازپرسی کودکان بزه دیده شیوه خاصی در نظر گرفته نشده است و کودکان بزه دیده در همان

مکانی که بزه دیدگان بزرگسال یا حتی متهمان بازجویی می شوند و توسط همان مأمورین، مورد بازپرسی قرار می گیرند که این افراد آموزش های لازم را در خصوص چگونگی برقراری ارتباط با کودکان و بازپرسی از آن ها را ندارند. بهتر است محیط مصاحبه امن و راحت باشد و لزومی ندارد که حتما مصاحبه در دادسرا یا دادگاه صورت گیرد، به ویژه در مورد کودکان خردسال، اغلب خانه بهترین مکان برای مصاحبه محسوب می شود. (شریف رازی، ۱۳۹۳: ۵۳).

ج) در نظر داشتن تمهیدات ویژه: تحقیقات مقدماتی و دادرسی بایستی، با سرعت انجام شود. البته آنچه از حق رسیدگی بدون تأخیر بیشتر به ذهن متبادر می شود، تسریع در رسیدگی است. اما اگر دادرسی را در معنای اعم، کلیه مراحل فرایند کیفری بدانیم، تسریع در رسیدگی شامل سرعت در تحقیقات مقدماتی و رسیدگی می شود. در دادرسی که یک کودک بزه دیده برای ادای شهادت فراخوانده می شود، دادگاه باید روند رسیدگی را سرعت بخشیده و تقدم رسیدگی به پرونده کودک را بر هر امر دیگری تضمین کند. (صالحی، ۱۳۹۰: ۲۵۹) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ نیز آن چنان اهمیتی به سرعت در دادرسی داده که در مواد ابتدایی، یعنی، ماده ۳ خود به صراحت آن را منعکس نموده است: «مراجع قضایی باید با بی طرفی و استقلال کامل به اتهام انتسابی به اشخاص در کوتاه ترین مهلت ممکن، رسیدگی و تصمیم مقتضی اتخاذ نماید و از هر اقدامی که باعث ایجاد اختلال یا طولانی شدن فرایند دادرسی کیفری می شود، جلوگیری کنند». در ماده ۳۶ قانون آیین دادرسی حمایت از کودکان و نوجوانان نیز به طرزی اختصاصی برای دادرسی کودکان بزه دیده به تحقیقات در کمترین دفعات و کوتاه ترین زمان ممکن اشاره می کند. باید تدابیری اندیشیده شود تا باعث تسهیل جمع آوری و ارائه ادله از سوی بزه دیدگان آسیب پذیر شود.

#### ۲-۶-۲. فراهم کردن امنیت کودک در جریان تحقیقات مقدماتی

پس از ارتکاب جرم یا خشونت علیه کودک، مظنون یا دیگری که از جانب وی اقدام می کنند، ممکن است در صدد تهدید بزه دیده برای بازداشتن وی از توسل به نظام عدالت کیفری بوده و یا در اقدامی تلافی جویانه، بزه دیده را به دلیل گزارش موضوع به مقام های قانونی مورد اذیت و آزار قرار دهند، این امر به ویژه هنگامی خطرناک است که بزه دیده و متهم رابطه تنگاتنگی با یکدیگر دارند. (رایجیان اصلی، ۱۳۹۴: ۵۹) کودک بزه دیده به لحاظ وضعیت آسیب پذیری بالقوه جسمی و روحی، پس از تحمل بزه دیدگی دیگر به راحتی احساس امنیت نخواهد کرد. چون امنیتش توسط افراد کودک آزار و اقدامات بزه کارانه ی او ستانده شده است.

الف) انتقال کودک بزه دیده به مکان امن: برای تضمین هرچه بیشتر امنیت کودک در روند تحقیقات مقدماتی در دادسرا، ماده ۳۴ قانون آیین دادرسی حمایت از کودکان و نوجوانان، رویکرد حمایتی ویژه و متفاوتی از بزرگسالان برای این افراد بالقوه آسیب پذیر در نظر گرفته که در تامین حقوق کودکان بزه دیده بسیار موثر و نقش فعالی برای این دسته افراد بزه دیده در فرآیند کیفری قائل شده است. بدین ترتیب که یکی از وظایف مرجع قضایی جهت جلوگیری از اعمال تهدید، انتقام جویی و یا ورود آسیب جسمانی یا روانی به کودک و نوجوان بزه دیده، شاهد و در معرض خطر را صدور دستور انتقال کودک به محل مطمئن و امن دانسته است. در ماده ۲۹ قانون آیین دادرسی مذکور نیز مقرر داشته که هرگاه خطر شدید و قریب الوقوعی کودک و نوجوان را تهدید کند، با تشخیص و زیر نظر مددکاران اجتماعی و با همکاری ضابطان دادگستری

در موارد ضروری کودک و نوجوانان را از محیط خطر دور کرده، به مراکز بهزیستی و در صورت لزوم به سایر مراکز مربوط منتقل شوند.

ب) تشدید قرار تأمین متهم: از طرق بسیار برجسته ای که امنیت کودک بزه دیده را در دادرسی پوشش می دهد، تشدید قرار تأمین کیفری است. با جستجو در اسناد بین المللی متعددی، تنها در اعلامیه حقوق کودک ۱۹۸۵ تشدید قرار تأمین کیفری متهم یکی از جلوه های حمایتی برای کودک بزه دیده بر شمرده است. اما قانون جدید آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ که علاوه بر متهم در اقدامی شگرف و بی نظیر به حقوق بزه دیدگان نیز توجه خاصی مبذول داشته است و در ماده ۲۱۷ خود جهت دیگری نیز برای صدور قرار تأمین کیفری پیش بینی نموده و آن «تضمین حقوق بزه دیده برای جبران ضرر و زیان ناشی از جرم» می باشد و در ماده ۲۴۳ این قانون نیز آورده شده که بازپرس می تواند در تمام مراحل تحقیقات، با رعایت مقررات این قانون، قرار تأمین صادره را تشدید کند و در ماده ۲۴۴ نیز این اختیار برای دادستان پیش بینی گردیده که پیش از تنظیم کیفرخواست می تواند تشدید تأمین را از بازپرس درخواست کند. (هدایت، ۱۳۹۵: ۳۸) هر چند تشدید قرار تأمین کیفری در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ پیش بینی شده است که در صدد حمایت از مطلق بزه دیدگان بر آمده است، اما این جنبه حمایتی، به نحوی خاص در قانون آیین دادرسی حمایت از کودکان و نوجوانان و پیروی از اعلامیه حقوق کودک ۱۹۸۵، مختص کودکان بزه دیده در نظر گرفته شده است و در ماده ۳۴، تشدید قرار تأمین کیفری متهم یکی از وظایف مراجع قضایی جهت جلوگیری از اعمال تهدید، انتقام جویی و یا ورود آسیب جسمی یا روانی به کودک و نوجوان در معرض خطر، بزه دیده یا شاهد و مطلع می باشد.

پ) بازداشت مرتکب: همان طور که تاکنون ذکر شد، در فرایند کیفری باید امنیت بزه دیدگان مد نظر قرار گیرد و مراجع قضایی نیز در موارد بسیاری برای تأمین امنیت بزه دیدگان علی الخصوص کودک بزه دیده، متهم را در توقیف نگه می دارند؛ زیرا کودک در نتیجه تحمل بزه، احساس ناامنی می کند. آزادی متهم ممکن است ترس و تهدید او را تشدید کند و یا حتی مرتکب در صدد تهدید و انتقام جویی بر آید. (حسامی، ۱۳۸۴: ۱۷۵)

در حقوق داخلی، تا قبل از تصویب قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در خصوص قرار بازداشت در جرایم علیه کودکان به طور خاص سخن نگفته است. در ماده ۲۳۸ قانون مذکور، صدور قرار بازداشت موقت را به نحوی قاطع در کودک آزاری به رسمیت شناخته است. طی این ماده صدور قرار بازداشت موقت در موارد مذکور در ماده ۲۳۷ (که یکی از آن موارد، ایجاد مزاحمت و آزار و اذیت اطفال می باشد) منوط به تحقق شرایطی است و یکی از آن شرایط در بند پ ماده ۲۳۸ « در صورتی که آزاد بودن متهم موجب به خطر افتادن جان شاکی، شهود یا خانواده آنان و خود متهم باشد» است. در نتیجه، با استناد به ماده صدرالذکر در صورتی که آزاد بودن متهم موجب به خطر افتادن جان کودک بزه دیده، شهود یا خانواده آنان و خود متهم باشد، صدور قرار بازداشت موقت متهم موجه است.

ت) محرمانه بودن تحقیقات: عدم افشای اسرار کودک و نوجوانان یکی از اصول بنیادین در دادرسی جرایم علیه کودکان است و عدم رعایت این عنصر بسیار مهم و دخالت بیش از حد مأموران تحقیق و افشای اطلاعات شخصی و خانوادگی کودک در بین اقوام و همسایگان می تواند موجبات صدمه به کودک را فراهم آورد و پیامدهای مخربی برای آینده وی در بر داشته باشد. حفظ حریم خصوصی از طریق محرمانه بودن اطلاعات و محدودیت افشای اطلاعات که ممکن است به

شناسایی کودک بزه دیده در فرآیند کیفری منجر گردد، حاصل می شود که این مقوله نه تنها در مرحله تحقیقات مقدماتی در دادسرا می بایست مورد لحاظ قرار گیرد، بلکه رعایت آن در تمامی مراحل چرخه کیفری از لحظات اولیه پس از وقوع جرم و کشف یا اعلام آن گرفته تا مرحله پسا کیفری که بعد از اجرای حکم می باشد ادامه می یابد. (هدایت، ۱۳۹۵: ۴۳).

۷-۲. شیوه رسیدگی به جرایم اطفال در مرحله دادرسی

۱-۷-۲. تعویق صدور رأی

یکی از ترتیبات خاص رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان که به نوبه خود یک پاسخ کیفری ولی تعدیل یافته به جرایم آنان را نیز تشکیل می دهد، مربوط به تعویق صدور رأی است. با در نظر گرفتن توصیه های بین المللی در زمینه رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان برای اولین بار در دادرسی اطفال بزهکار در ایران، تعویق صدور رأی در قانون رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان مورد پیش بینی قرار گرفته است. در این راستا در ماده ۹۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز مقرر داشته است: «دادگاه می تواند در مورد تمام جرایم تعزیری ارتكابی توسط نوجوانان، صدور حکم را به تعویق اندازد یا اجرای مجازات را معلق کند.»

۲-۷-۲. قابلیت تجدید آراء و تصمیمات دادگاه اطفال

حق اعتراض به آراء و تصمیم های قضایی و چند مرحله ای بودن دادرسی کیفری از تضمین های دادرسی عادلانه به شمار می آید. زیرا بر پایه ی این حق، متهمان می توانند به آراء و تصمیم های دادگاه اعتراض کرده و ضمن آن فرصت جدیدی را برای ارائه ی دلایل و مدارک و دفاعیات خویش به دست آورند. این حق نقش موثری در جلوگیری از استبداد دادرسان ایفا می کند (آخوندی، ۱۳۹۴: ۲۴۸). طبق ماده ۴۴۴ ق.آ.دک. جدید مرجع رسیدگی به درخواست تجدیدنظر آراء و تصمیمات دادگاه های اطفال و نوجوانان شعبه ای از دادگاه تجدیدنظر استان است که مطابق با شرایط مقرر در این قانون و با ابلاغ رئیس قوه قضاییه تعیین می گردد. مرجع فرجام خواهی از آراء و تصمیمات دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان دیوان عالی کشور است. قانون مذکور آراء و تصمیمات اطفال را در تمام موارد قابل تجدیدنظر می داند (مهلت درخواست نظر بیست روز از آخرین تاریخ ابلاغ می باشد) و مقرر می دارد درخواست تجدیدنظر نیز می تواند توسط طفل یا نوجوان یا ولی یا سرپرست قانونی طفل یا وکیل آنها به عمل آید. دادستان نیز هرگاه آراء و تصمیمات دادگاه را مخالف بداند می تواند درخواست تجدید نظر نماید. درخواست تجدید نظر را می توان به دفتر دادگاه صادر کننده حکم یا دفتر دادگاه تجدید نظر یا چنانچه طفل یا نوجوان در کانون اصلاح و تربیت نگهداری می شود به دفتر کانون اصلاح و تربیت تسلیم نماید (مواد ۴۴۷، ۴۴۶، ۴۴۵). از مواد مهم قانون آئین دادرسی کیفری در خصوص تجدید نظر در رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان است.

۳-۷-۲. واکنش متناسب با شدت جرم

این اصل به عنوان ابزاری برای مهار مجازات های سنگین شناخته می شود و اغلب عبارت «جزای عادلانه متناسب با سنگینی جرم» بیان می گردد. واکنش در برابر مجرمان نوجوانان نه تنها باید بر ملاحظه موقعیت های فردی شامل پایگاه

اجتماعی، وضع خانوادگی، آسیب ناشی از جرم یا عوامل دیگری که بر موقعیت شخصی اثر می گذارند مبتنی باشد، بلکه باید سنگینی جرم نیز مورد ملاحظه واقع شود.

۲-۷-۴. واکنش متناسب با منافع طفل و نیاز جامعه

هنگامی که توسط طفل جرمی به وقوع می پیوندد مراجع صلاحیتدار وارد صحنه می شوند و برای رسیدگی به آن جرم با طفل برخورد می نمایند نحوه برخورد با طفل باید در بردارنده منافع او باشد همانطور که در مرحله کشف جرم و تحقیقات مقدماتی برخورد مرجع صالح باید با در نظر گرفتن منافع طفل باشد در مرحله تصمیم گیری نیز این مهم باید اعمال گردد.

۲-۷-۵. ایرادات وارده بر مقررات دادگاه اطفال

الف- محدود بودن الزامی شدن پرونده ی شخصیت به برخی جرایم: قانون آیین دادرسی کیفری جدید در این زمینه پیشرفت قابل ملاحظه ای داشته و نه تنها به ضرورت تشکیل این پرونده برای اطفال و نوجوانان توجه داشته؛ بلکه آن را در خصوص بزرگسالان نیز الزامی دانسته است. با وجود این انتقادی که به قانون گذار وارد است و آن این است که قانونگذار در هر دو حوزه ی جرایم ارتكابی بزرگسالان و اطفال و نوجوانان تشکیل این پرونده را در تمامی جرایم لازم ندانسته و تنها جرایم مهم را در این مورد برشمرده است. در باب اطفال و نوجوانان به تعداد بیشتری از جرائم اشاره نموده است؛ اما در این خصوص هم جرایم قابل توجهی از دید قانونگذار مفعول مانده است. در باب اطفال و نوجوانان علاوه بر موارد پیش گفته، در جرائم تعزیری درجه پنج و شش<sup>۴</sup> نیز، تشکیل پرونده شخصیت در مورد اطفال و نوجوانان توسط دادسرا یا دادگاه اطفال و نوجوانان الزامی است. اولاً قانونگذار در پیش بینی جرایم مهم، چندان موفق نبوده است؛ زیرا مشاهده می شود جرایم حدی ای که مجازات شلاق برای آن پیش بینی شده است، از نگاه قانونگذار دور مانده است.

ب- ضرورت پیش بینی آیین رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان مونث: دختران بیش از پسران در معرض این خطر قرار دارند که مورد تعدی عوامل نظام دادرسی نوجوانان نیز قرار گیرد. نگرش های مردسالارانه و معیار دوگانه جنسیتی، احتمال ارجاع دختران به دادگاه نوجوانان به علت تخلفات ویژه کودکی و همچنین صدور احکامی نظیر حبس در جریان تصمیم گیری قضایی را افزایش می دهد. دستگاه قضایی باید برخوردی محتاطانه تر نسبت به دختران و زنان داشته باشند تا از این طریق، ضمن برقراری عدالت و رساندن فرد خاطی به سزای عملش، زمینه های بازگشت آن ها را به زندگی عادی و طبیعی فراهم آورد. لازمه ی این امر این است که هرچه بیشتر از بکارگیری مجازات حبس در رابطه با دختران خودداری شود؛ زیرا دختران و زنان محکوم به حبس، پس از تحمل مجازات خود، با دشواری بیشتری نسبت به پسران با شرایط مشابه در جامعه پذیرش می شوند و از مجازات کمانه ای و تبعات اجرای مجازات حبس رنج خواهند برد. این در حالی است که قانون گذار قانون آیین دادرسی کیفری جدید به عنوان جدیدترین قانون تنظیم کننده ی قاعده دادرسی به جرایم ارتكابی اطفال و نوجوانان، توجهی به لزوم تمایز قائل شدن در فرآیند دادرسی دختران و پسران نداشته و از این امر مهم به سادگی در گذشته است.

پ- غفلت از پتانسیل های عدالت ترمیمی: عدالت ترمیمی، نوعی از روش های اجرای عدالت است که نگاهی دو وجهی دارد؛ در این روش کوشش بر این است که ضمن اینکه تا حد ممکن از قهر و اعمال فشار بر مجرم کاسته می شود، ضمن

<sup>۴</sup> - ماده ۲۸۶ قانون جدید

بی پاسخ نگذاشتن عمل مرتکب فعل مجرمانه، نرمش به خرج داده و نیازهای بزه دیده ی جرم را در اولویت قرار دهد. با وجود اینکه قانون آیین دادرسی در موادی چند، به لزوم سازش و میانجیگری اشاره نموده است، اما در باب جرایم ارتكابی از سوی اطفال و نوجوانان هیچ اشاره ای به این امر ننموده و از فواید بهره گیری از این روش در خصوص جرایم اطفال و نوجوانان چشم پوشیده است؛ این در حالی است که اطفال و نوجوانان چون به طور طبیعی به سبب سن کم، بخش اعظم عمر خود را پیش رو داشته و مدت زمان بیشتری را در اجتماع خواهند بود.

#### نتیجه گیری

امروزه در سایه پیشرفت حقوق جزا و جرم شناسی این تفکر وجود دارد که اطفال و نوجوانان به لحاظ داشتن ویژگی های خاصی باید از یک روش ویژه شکلی و ماهوی دادرسی کیفری برخوردار باشند و برخی از مسایل کیفری به لحاظ رشد و توسعه فکری جوامع بشری جنبه فراملی به خود گرفته است. یک نظام کیفری موفق ناچار است در بعضی از مسایل، خود را با اعلامیه های جهانی حقوق بشر، میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی به ویژه کنوانسیون حقوق کودک هماهنگ نماید. بر همین اساس شاید بتوان گفت تصویب مواد ۲۱۹ الی ۲۳۱ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری و تهیه پیش نویس قانون آیین دادرسی تشکیل دادگاه های اطفال و نوجوانان و تصویب قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱/۹/۲۵ و نهایتاً نگارش و تدوین قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ با تحولات پیش گفته در رابطه با دادرسی اطفال و نوجوانان، بی تأثیر از فشار افکار مجامع بین المللی و حقوق بشر نباشد و در واقع در راستای هماهنگی با کنوانسیون های بین المللی است.

در کشور ما ایران به لحاظ ضرورت تطابق قوانین و مقررات مصوب با شرع مقدس اسلام و قانون اساسی، شورای نگهبان در برخی از موارد مفاد کنوانسیون حقوق کودک را از نظر مغایرت با موازین شرعی غیر قابل اجرا دانسته است و به این سبب، ایران مفاد کنوانسیون مزبور را به صورت مشروط پذیرفته است. اگر چه دولت ایران بر این اعتقاد است که می بایست همگام با قواعد و مقررات بین المللی حرکت نمود لیکن تعارض برخی از مقررات بین المللی با شرع اسلام موجب گردیده که کشور ایران در برخی از موارد از معاهدات بین المللی و مفاد کنوانسیون ها تبعیت ننماید. قانون گذار در این قانون آیین دادرسی با توجه خاص به منابع و حقوق اطفال و نیز نوجوانان و با هدف حمایت از این منافع به پیش بینی و پایه گذاری مراجع خاص و مستقل و نیز مقرر نمودن شرایط اختصاصی برای مقامات قضایی در جهت رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان و بسیاری از شرایط و مزایا و امکانات دیگر که همسو با حقوق و منافع این دسته آسیب پذیر از افراد است و از سوی دیگر متناسب با پیمان ها و کنوانسیون های بین المللی خاصه کنوانسیون حقوق کودک می باشد، همت گماشته است و در این راستا و در قالب این قانون آیین دادرسی جدید تا حد امکان به رفع ایرادات و پر کردن خلاءهای موجود در زمینه حمایت از اطفال و نوجوانان بزهکار که در قوانین سابق، موجود می باشد پرداخته است. در پایان می توان از جمع بندی مراتب معروضه چنین برداشت نمود که سیاست مسئولین امر بالاخص قوه قضاییه در سمت و سوی توجه و عنایت به منافع و مصالح کودکان و نوجوانان حرکت فعالانه دارد و قابل تحسین می باشد و گام مهمی در جهت رعایت مصالح کودکان برداشته شده و می توان ادعان نمود که تا میزان قابل توجهی با معیارهای بین المللی و کنوانسیون حقوق کودک مطابقت دارد.

در زمینه حقوق کیفری اطفال و مسائل ماهوی مربوط به آن، مساله ی مسئولیت کیفری و متنوع کردن پاسخ های در نظر گرفته شده برای بزهکاری اطفال مورد توجه قرار گرفته است. در این حوزه با توجه به ارتباط آن با مقررات شرعی، تدوین کنندگان قانون از تغییر در معیارهای شرعی مربوط به مسئولیت تجدید نظر نکرده ولی سعی نموده اند که از طریق دسته بندی سنی اطفال و تناسب کردن اقدامات مورد نظر با شرایط سنی آنان، از تبعات منفی پایین بودن سن مسئولیت کیفری در ایران جلوگیری کنند. در قسمت دادرسی اطفال نیز سعی شده است با در نظر گرفتن مقررات بین المللی در این مورد، تجربه ی سایر کشورها و نیز گرایش های موجود در زمینه ی دادرسی اطفال و نوجوانان، زمینه ی تدوین یک دادرسی ویژه اطفال و نوجوانان در ایران فراهم آید. با وارد ساختن اندیشه های ترمیمی در مقررات این قانون سعی شده است که از توسل بی رویه به مجازات حبس در کانون اصلاح و تربیت جلوگیری شود؛ زیرا هر چند که نگهداری یا حبس در کانون اصلاح و تربیت پاسخی تربیتی است، اما همین محیط بسته ی کانون، زمینه را برای برخی آسیب های احتمالی به اطفال و نوجوانان فراهم می آورد. حال آنکه در رویکرد ترمیمی پاسخ های آموزشی و تربیتی در بستر اجتماع به اجرا در می آیند. اتخاذ تدابیر ترمیمی در قانون مورد بحث از نقاط قابل توجه و مهم آن است.

بنابراین قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در راستای حمایت از اطفال و نوجوانان اقدامات شایسته ای انجام داده است و از جمله آن ها پیش بینی نهادهای متعدد حمایت از اطفال و نوجوانان در صورت بزه کاری از زمان کشف جرم با تاسیس پلیس ویژه اطفال و نوجوانان و در مرحله تحقیقات مقدماتی پیش بینی دادرسی ویژه و پس از آن در مرحله رسیدگی دادگاه های اطفال و نوجوانان و دادگاه کیفری ۱، ویژه رسیدگی به جرایم نوجوانان و پس از صدور حکم کانون اصلاح و تربیت برای نگهداری آنان می باشد. پیش بینی تشکیلات خاص و منسجم برای هر یک از این نهادها و نیز شرح کامل وظایف در مواد مختلف از نکات قوت این قانون است. نکاتی نیز به عنوان پیشنهاد ذکر می گردد.

۱- به نظر می آید ایجاد دادگاه کیفری یک، ویژه رسیدگی به جرایم نوجوانان که در جهت رسیدگی به جرایم شامل ماده ۳۰۲ توسط نوجوانان تشکیل شده است در کنار وجود دادگاه اطفال و نوجوانان امری معقول نبوده و بهتر آن می بود به جهت آن که وحدتی در رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان صورت گیرد، دادگاه های اطفال و نوجوانان به دو دادگاه ۱ و ۲ تقسیم و دادگاه ۱ صلاحیت رسیدگی به جرایم ماده ۳۰۲ و دادگاه ۲ صلاحیت رسیدگی به سایر جرایم را داشته باشد.

۲- در اصلاحات صورت گرفته در سال ۹۴ تعداد مشاوران دادگاه اطفال و نوجوانان به یک نفر تقلیل یافته است و بر همین اساس در خصوص متهمان اناث بایستی مشاور در دادگاه اطفال از زنان باشد اما به نظر می آید اگر تعداد مشاوران به همان میزان دو نفر تعیین می گردید بسیار بهتر از کم تر نمودن آن ها باشد هر چند این مشاوران در صدور رای دادگاه به طور مستقیم تاثیر ندارند ولی می توانند در پیشبرد روند رسیدگی تأثیر گذار باشند

به طور خلاصه قانون آیین دادرسی کیفری دارای نوآوری های متنوعی از قبیل: ایجاد دادرسی و دادگاه های ویژه اطفال و نوجوانان، سازمان پلیس ویژه اطفال و نوجوانان، نهاد مددکاری اجتماعی، میانجیگری کیفری، تعلیق تعقیب، تعویق صدور حکم، تعلیق اجرای حکم و... می باشد که بیشتر این نوآوری ها در حقوق ایران یا اصلا سابقه نداشته و یا به طور رسمی در قوانین پیش بینی نگردیده است. بنابراین به عنوان قانون رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان تحولی شگرف در امر دادرسی اطفال و نوجوانان پدید خواهد آورد و گامی مثبت برای قوه قضائیه ایران در جهت هم سطح شدن قوانین مربوط به اطفال و نوجوانان معارض با قانون با مفاد کنوانسیون بین المللی حقوق کودک و سایر اسناد حقوقی سازمان ملل محسوب می شود.

۱. آخوندی، محمود، (۱۳۹۴)، آیین دادرسی کیفری، مجمع علمی و فرهنگی مجد، جلد چهارم
۲. آخوندی، محمود، (۱۳۹۴)، آیین دادرسی کیفری، جلد اول، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
۳. جوانمرد، بهروز، (۱۳۸۹)، فرآیند دادرسی در حقوق کیفری ایران، تهران، انتشارات بهنامی، چاپ اول
۴. موسوی، عافیه السادات، (۱۳۹۰)، بزهکاری اطفال و نوجوانان، تهران، انتشارات مجد
۵. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، (۱۳۸۲)، میانجیگری کیفری، جلوه ای از عدالت ترمیمی، (دیباچه)
۶. نجفی توانا، علی، (۱۳۸۲)، نابهنجاری و بزهکاری اطفال و نوجوانان از دیدگاه جرم شناسی؛ مقررات داخلی و اسناد بین المللی، تهران، انتشارات راه تربیت
۷. دهقانی، علی، (۱۳۸۷)، دادرسی ویژه کودکان و نوجوانان؛ گامی در راستای انطباق با تعهدات بین المللی، فصلنامه دانشکده ادبیات علوم انسانی دانشگاه شهرکرد، سال سوم، شماره ۱۰ و ۱۱
۸. کریمی، نوراله، (۱۳۹۲)، مدل های دادرسی در زمینه اطفال بزهکار، دایره المعارف علوم جنایی
۹. کریمی، نوراله، (۱۳۹۲)، مدل های دادرسی در زمینه اطفال بزهکار، دایره المعارف علوم جنایی (مجموعه مقاله های تازه های علوم جنایی)، جلد دوم، چاپ اول، نشر میزان، تهران
۱۰. موسوی بجنوردی، سید محمد، (۱۳۸۲)، بررسی مفهوم و معیار کودکی در تفکر اسلامی و قوانین ایران برای بهره مندی از حقوق مربوطه، پژوهش نامه متین، ش ۲۱
۱۱. خزایی، منوچهر، (۱۳۷۷)، فرایند کیفری، مجموعه مقالات، چاپ اول، انتشارات گنج دانش
۱۲. صالحی، جواد، سخنور، محمدرضا، (۱۳۹۲)، حمایت کیفری از حقوق شاکی در روند دادرسی عادلانه، مجله حقوقی کانون وکلاء
۱۳. عظیم زاده، شادی، (۱۳۸۴)، پویایی جلوه های سیاست جنائی در حمایت از زنان بزه دیده خشونت، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۵۲ و ۵۳
۱۴. حسامی، سمیه، (۱۳۸۴)، حمایت از زنان بزه دیده خشونت خانوادگی در تحقیقات پلیس، مجله ی حقوقی دادگستری، شماره ی ۵۲ و ۵۳
۱۵. نجفی ابرند آبادی، علی حسین، غلامی، حسین، محمودی، فیروز، (۱۳۸۴)، میزگرد عدالت برای بزه دیدگان، مجله حقوق دادگستری، شماره ۵۲ و ۵۳
۱۶. حسنی، حامد، (۱۳۹۲)، دانشگاه یاسوج، پایان نامه کارشناسی ارشد، صلاحیت دادگاه انقلاب در لایحه آیین دادرسی کیفری
۱۷. محمدی ارانی، خدیجه، (۱۳۸۴)، حمایت از اطفال بزه دیده در سیاست جنایی تقنینی جدید ایران و اسناد سازمان ملل، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه مفید، شهرریور